

 10.30497/qhs.2023.244732.3793



 20.1001.1.20083211.1402.17.1.11.0

Analyzing the Visual Effects of the Word "Serat" in the Surah Al-Fateha al-Ketab

Habibollah Fallahnezhad*

Received: 21/04/2023

Mohammadhossein Tavanaiee**

Accepted: 01/09/2023

Gholamreza Hassani ***

Zahra Fanaei ****

Abstract

One of the innovative artistic methods of the Quran in concepts is the use of imagery such as similes and parables, in the light of which logical and real concepts are shown and possible doubts and complications are resolved. According to the visual effects of Sarat, the use of this word in general in the Qur'an and specifically in Surah Hamad has facilitated the transferability of abstract mental meanings to tangible material images so that the traveler, by focusing on these images, can find his way to Understand well and go through. This research aims to identify the visual concepts of the word Sarat in Fatihaal-Katab, in an analytical-descriptive and library method, in order to recognize its visual effects of Sarat for a deep understanding of examples to do. Since, in spite of the researches carried out about the concept and example of the path (and direct path) in the Qur'an, no research has been done on therecognition of the visual effects of the path, this research is responsible for filling a part of this research gap. The results of this research showed that the visual of Sarat reflect these concepts: facilitating understanding, visualizing the course of movement from the origin to the destination, continuous seeking for guidance, connecting and holding fast to the divine thread, entering the field of God's mercy, fear, perseverance, God's arrest from the wayfarers of Sarat, and finslly the union and a color.

Keywords: *Imagery, visual effects, Serat, Surah Hamd, monochromatic.*

* PHD student in Quran and Hadith sciences, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Fallahnejadhabib6@gmail.com

** Professor of Theology Department, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. (Responsible Author) Dr.tavanaieesareh@yahoo.com

*** Assistant Professor of Art Department, Aliabad Katul Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katul, Iran. hassani.gr@yahoo.com

**** Assistant Professor of Art Department, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran. zahraf1351@gmail.com



دانشگاه امام صادق علیه السلام



http://qhs.isu.ac.ir

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۷، شماره ۱، پیاپی ۳۳

پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صص ۲۹۶-۲۷۱

مقاله علمی - پژوهشی

10.30497/qhs.2023.244732.3793



20.1001.1.20083211.1402.17.1.11.0

واکاوی جلوه‌های بصری «صراط» با تأکید بر سوره فاتحه کتاب

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۰
مقاله برای اصلاح به مدت ۱۷ روز نزد نویسندگان بوده است.

حبيب الله فلاح نژاد*

محمدحسین توانایی**

غلامرضا حسینی***

زهرا فنایی****

چکیده

یکی از شیوه‌های بدیع هنری قرآن در انتقال مفاهیم، استفاده از تصویرسازی است که در پرتو آن مفاهیم منطقی و عقلی، ملموس و واقعی نشان داده شده و ابهامات و پیچیدگی‌های احتمالی برطرف می‌شود. با توجه به جلوه‌های بصری صراط، به‌کارگیری این واژه به‌طور عام در قرآن و مشخصاً در سوره حمد، انتقال‌پذیری معانی مجرد ذهنی به تصاویر مادی محسوس را تسهیل نموده تا رهرو، با وقوف بر این تصاویر، راه خود را به خوبی دریافته و طی کند. این پژوهش با هدف شناسایی مفاهیم تصویری واژه صراط در سوره فاتحه کتاب، به روش تحلیلی - توصیفی درصدد است تا جنبه‌های تصویری آن را بازشناسی نموده و چگونگی به‌خدمت گرفتن جلوه‌های بصری صراط در جهت فهم عمیق مصادیق را تبیین نماید. نتایج این پژوهش نشان‌داد که جلوه‌های بصری صراط بازتاب مفاهیم ذیل است: تسهیل فهم، تجسم سیر حرکت از مبدأ تا مقصد، طلب مستمر هدایت، اتصال و اعتصام به ریسمان الهی، ورود در ساحت رحمت الهی، خشیت، استقامت، دستگیری از راهیان صراط و سرانجام اتحاد و یک‌رنگی.

واژگان کلیدی

تصویرسازی، جلوه‌های بصری، صراط، سوره حمد، یک‌رنگی.

*دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

Fallahnejadhabib6@gmail.com

**استادیار علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول)

Dr.tavanaieesareh@yahoo.com

hassani.gr@yahoo.com

***استادیار هنر، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران.

zahraf1351@gmail.com

****استادیار هنر، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

مقاله مستخرج از رساله دکتری است.



طرح مسئله

تصویر برای نقل سخن است و معنا عنصری است که تصویر بر آن حمل می‌شود و دارای معانی گوناگونی است، از جمله شکل دادن، نظیر آوردن، شبیه سازی کردن و مثال زدن. تصویر عاملی است که هر آنچه در ذهن انسان وجود دارد را به نمایش می‌گذارد و ابزاری است برای بیان فکر، زبان و واژه. به دیگر سخن، تصویر ابتدا در ذهن هنرمند تصور شده و بعد به ظهور می‌رسد و خلق می‌شود و بر معنا سوار می‌گردد. تصویر عامل قوی و مستحکمی است که از ابتدای خلقت با انسان همراه بوده و سیله ای برای بیان ذهنیات بشر به کار می‌آمده است. پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَيَّ صُورَتِهِ» (کلینی، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۳۹۲). یعنی؛ خداوند آدم را به صورتش آفرید، پس صورتی که مقصود بوده و اراده کرده است، چیزی است که چهره انسان به آن اختصاص یافته است، یعنی از نظر شکل و هیئتی که یا با چشم دیده می‌شود و یا با بصیرت یا چشم دل یا هر دو و به وسیله آن صورت او را بر بسیاری از آفریده‌هایش تفضیل داده است.

در قرآن کریم، به شکل اعجاب انگیزی از آفرینش های بدیع هنری استفاده شده است که به صورت های تشبیه و تمثیل، مفاهیم منطقی و عقلی را ملموس و واقعی نشان می‌دهد و ابهامات و پیچیدگی های احتمالی موجود را برطرف می‌سازد، به عقیده سید قطب، خداوند برای بیان اغراض ذهنی، شیوه تصویری را بر سایر شیوه ها همچون بیان ذهنی مفاهیم، برتری داده است، نظریه تصویری سید قطب بر دو پایه «اغراض تصویر و اسلوب های تصویر» شکل می‌گیرد، از نگاه وی مواردی چون معانی ذهنی، حالات روانی، حوادث واقعی، مثل ها، مناظر طبیعت، صحنه های قیامت، الگوهای انسانی، جدل تصویری، قصه و داستان از اغراض تصویرند. اسلوب های تصویر نیز که با آن ها اغراض متعدد تصویر تجلی می‌یابند، در دو قسم خلاصه می‌شوند: ۱- هماهنگی هنری شامل: هماهنگی کلام با مضمون و محتوا، موسیقی و آهنگ کلمات، وحدت موضوعی و تقابل ۲- خیال پردازی حسی شامل تشخیص، تجسیم، گفتگو، فعل حرکتی، رنگ و بو (سیدقطب، ۱۳۵۹ش، صص ۲۸-۳۱).

در این پژوهش، جنبه ها و مفاهیم تصویری واژه صراط در فاتحه الکتاب به شیوه تحلیلی-توصیفی و روش کتابخانه ای تجزیه و تحلیل می‌شوند. سوالات مطرح شده تحقیق عبارتند از: چه جنبه های تصویری از واژه صراط در سوره حمد مشاهده می‌شوند؟ جنبه های تصویری واژه صراط چگونه و به چه منظوری مورد استفاده قرار گرفته اند؟ بر این اساس به شناخت و

فهم عمیق تر مصادیق صراط پی برده شده و وضوح پیامهای تصویری صراط بیش از پیش مشخص می‌گردد.

پیشینه تحقیق

موضوع شناسایی زیبایی‌های بیانی قرآن کریم، از همان سده‌های نخستین نزول قرآن، مورد توجه اندیشمندان مسلمان قرار گرفت، آنان به فصاحت و بلاغت آیات مجید پی برده بودند تا بدانجا که دریافتند؛ حقیقت این همه زیبایی، از اعجاز بیانی قرآن سرچشمه می‌گیرد، آنان در حوزه شناخت مجاز، استعاره، تشبیه و صنایع ادبی و هنری، آثاری بدیع عرضه کردند و باب تأمل و تدبّر در مفاهیم عمیق قرآن را بیش از پیش گشودند، این جنبش از جاحظ آغاز شد و با جرجانی و رمّانی و خطّایی و سپس فرّاه ابو عبیده پی گرفته شد و هم اکنون نیز اندیشمندان معاصر درون دینی و برون دینی، همچنان در پی شناخت هر چه بیشتر زیبایی‌های ادبی و هنری آیات قرآن کریم هستند.

هم اکنون اندکی از تلاش‌های نخستین پژوهشگران متقدّم به دست ما رسیده است، اما آنچه که امروزه سرمایه معنوی این بخش از تلاش‌های قرآن پژوهی محسوب می‌شود، آثاری است که در اقصی نقاط سرزمین‌های اسلامی به طبع و نشر رسیده و برخی از آنان نیز به زبان‌های مختلف ترجمه و معدودی نیز به زبان فارسی برگردانده شده‌اند.

تحقیقاً می‌توان اثر سیّد قطب را با عنوان «التصویر الفنی فی القرآن» را شناخته شده‌ترین اثر معاصر دانست که حدود نیم قرن پیش با نگاهی زیباشناسانه نگاشته شده و با ترجمه‌های مختلف به طبع رسیده است، برای نمونه؛ او با تمرکز عمیق بر فعل و انفعالات افراد انسانی حاضر در صحنه نمایش، با اندکی اغراق، فضایی مهیج ارائه می‌کند و خواننده را به اندرون حقیقت ماجرا می‌کشاند، از جمله او تصویر ولیدبن مغیره را ترسیم می‌کند که در برزخ رفتن و ماندن بین کفر و ایمان متوقّف شده است و سرانجام ترجیح می‌دهد که در کفر خود باقی بماند (سیدقطب، ۱۳۵۹ش، ص ۳۵)، این کتاب صرفاً جنبه هنری دارد و از جنبه کاربردی آن غفلت شده است. بخش‌هایی از مجموعه تفسیری «فی ظلال القرآن» این نویسنده نیز می‌تواند در شمار آثار مشابه قرار گیرد.

پس از ایشان طی دو دهه گذشته، دو کتاب با عناوین: «کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم» و «زیبایی‌شناسی واژگان قرآن» از سوی عبدالسلام احمد الراغب به جامعه قرآنی - هنری عرضه

شده است، نویسنده مقصود خود را از نگارش این آثار، معرفی تصویر ایده آل انسان با ابعاد فکری اش ترسیم کرده و به بررسی بافت تصاویر هنری در تمامیت بافت قرآن کریم پرداخته و وحدت تصویر و متن را مرکز توجه خویش قرار داده است، او تلاش کرده است که به جنبه های اعجاز بیانی قرآن مجید بپردازد که عبدالقاهر جرجانی در باره «معنا» و «معنای معنا» از آن سخن گفته است (احمد الراغب، ۱۳۸۷ش، صص ۱۲-۱۳).

در پی این آثار، حمید محمدقاسمی کتابی با عنوان: «جلوه هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن» منتشر کرده و هدف خود را از نگارش آن، نمایش و تجسم جلوه های هنری خارق العاده قرآن برشمرده است، نویسنده به جایگاه و اهمیت تصویر و مزیت ها و جذابیت های آن پرداخته و از زوایای اخلاقی، اجتماعی، تاریخی و روان شناسی، پیرامون تصاویر قرآنی سخن گفته است (محمدقاسمی، ۱۳۸۷ش، صص ۱۸-۱۹).

پس از او حسن خرقانی کتابی را با عنوان: «قرآن و زیبایی شناسی» به علاقمندان حوزه قرآن و فلسفه معرفی کرده است، این نویسنده اثر خود را میان رشته ای دانسته و به تشریح دیدگاه های زیبایی شناسی مکاتب مختلف فلسفی می پردازد، او پیشینه زیبایی شناسی را از زبان افلاطون تا قرون وسطی و پس از آن تا نگره های زیبایی شناختی قرآن کریم مورد واکاوی قرار داده است.

مقالاتی چند نیز در زمینه نگاه هنری به آیات قرآن کریم نگاشته شده است مانند: «تصویرپردازی هنری در قرآن با تکیه بر تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه» (رضایی و حسینی، ۱۳۹۰ش)، این اثر بر محور ادبیات تصویری قرآن و خارج از موضوعی خاص فراهم شده است. «روایت تصویری در قرآن با بررسی سوره هایی از قرآن» (جلودار، ۱۳۹۲ش)، نویسنده سوره های نصر، فیل، قارعه، عادیات، حج و رعد را از منظر تصویری روایت گری کرده است. «انتقال معنی از طریق تصویرسازی ذهنی در جزئی سی ام قرآن کریم» (فاروخی و همکاران، ۱۳۹۳ش)، این اثر صرفاً به جزء سی ام قرآن پرداخته است.

«تصویرآفرینی در قرآن» (برجیان، ۱۳۹۷ش)، برجیان در این مقاله بر مولفه های خیال، حقیقت، عاطفه، ریتم، و هماهنگی هنری در تصویر تأکید داشته و کارکرد تصویر مبتنی بر آنان را مورد بررسی قرار داده است. «تصویر قیامت در قرآن» (منصوری، ۱۳۹۹ش)، نویسنده در این مقاله به آیات و سوره های موضوعی قیامت پرداخته است.

اما آنچه این پژوهش در پی آن است و تلاش می کند سخنی نو در حوزه پژوهش های قرآنی عرضه کند، دارای دو ویژگی است:

نخست آنکه؛ تمرکز این تحقیق بر تصاویر موجود در فاتحه الكتاب است، دوم آنکه؛ نویسنده اقدام به طراحی و تولید تصویر در کنار متون تصویری نموده است، متونی که در ذات خود واجد تصویرند و با اندکی تأمل می توان در آئینه خیال، این تصاویر را تجسم کرد، عباراتی مانند: «صراط» و «ضالین» واجد این ویژگی هستند. تمرکز این تلاش از بین سبک های مختلف تصویرسازی در ساحت گرافیک، استفاده از هنر «خط نقاشی» است، دانشی که به مدد خوشنویسی و یا طراحی حروف، ترکیبی از نوشته و تصویر را ارائه می کند تا از لابلای نوشته ها و خط ها و شکل های متنوع، شاهد تصاویری گویا و رسا از پیام آیات قرآن کریم در حیطه واژه صراط باشیم.

۱. معنانشاسی تصویر و صراط

۱-۱. تصویر

تصویر از ماده صور به معنی شکل و جمع آن نیز صور است و برای صورت دادن و شکل بخشیدن به کار می رود، صورت نیز از آن ساخته می شود، مقصود از ساخت صورت، صورت بخشی به چیزی یا عملی است (راغب، ۱۳۸۵ش، ص ۲۵۹). که قرآن به آن تصریح کرده است: ﴿وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ﴾ (غافر: ۶۴) یعنی شما را تصویر کرد و شکل هایتان را نیکو قرار داد. تصویر آدمی در رحم مادران شکل می گیرد: ﴿هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ﴾ (آل عمران: ۶) این تصویر از سلولی بی شکل آغاز می شود و سپس به موجودی زیبا و موزون مبدل می شود: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ﴾ (اعراف: ۱۱) یعنی شما را اندازه گرفتیم سپس صورت دادیم.

تصویر در قرآن کریم؛ با هدف شکل دادن و صورت بخشیدن به بخشی از حقایق ایمانی آمده است، این اشکال گاه در یک سوره، یک یا چند آیه، یک کلمه، در قالب ها و صنایع مختلف ادبی به کار رفته است. در تصاویر قرآنی، واژه ها به جای خط و رنگ می نشینند و موج حیات را در رگهای تصاویر می دمند و به آنان حیات می بخشند (سیدقطب، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۵۸). چنین است که تصویر در مصحف شریف به منظور اثرگذاری مضاعف، به دو صورت محسوس و معقول دیده می شود.

مصورّ به معنی صورت دهنده، از اسماء حسناى الهى است: ﴿هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾ (حشر: ۲۴). تصویر خدائى فقط به انسان اختصاص ندارد بلکه شامل تمام موجودات است و دقائق تصویر در همه مخلوقات ساری و هویدا است.

۲-۱. صراط

عبارت صراط؛ در واقع «سراط» بوده است، سراط به معنی بلعیدن و فروخوردن آمده است (فراهیدی، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۲۱۱)، صراط یعنی راه راست و واضح و آشکار. این واژه به صورت مفرد به کار می رود و جمع ندارد، بعضی آن را «سراط» تلفظ کرده اند (راغب، ۱۳۸۷ش، ص ۲۵۱)، یعنی راه صاف و هموار، چنانچه می فرماید: ﴿وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا﴾. (انعام: ۱۵۳). «السِّرَاط» به معنای جاده و از «سِرَط الشَّيْء» است، وقتی چنین می گویند که کسی چیزی را فرو خورده باشد و چون راهی، راه را بپیماید می گویند: «يَسْتَرِط السَّابِلَهُ»، چنان که از آن به «لُقْم» تعبیر شده است که گویی سپردن راه به فروخوردن آن می ماند و این که سین در این جا به صاد تبدیل شده به دلیل «طاء» است، مانند «مصیطر» که در اصل «مسیطر» بوده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۴).

صاحب نورالتقلین نیز چنین آورده است: «لَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ؛ اسْتِرْشَادٌ لِدِينِهِ، وَ اعْتِصَامٌ بِحَبْلِهِ، وَ اسْتِزَادَةٌ فِي الْمَعْرِفَةِ لِرَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كِبْرِيَاءُهُ وَ عَظَمَتِهِ» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰). صاحب صحاح؛ آورده: الصِّرَاطُ وَ السِّرَاطُ وَ الزَّرَاطُ: الطَّرِيقُ (جوهری، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۱۱۳۹)، قاموس نیز آن را طریق معنی کرده (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۴ ص ۱۲۲) و صاحب المیزان آن را با سبیل و طریق قریب المعنی دانسته و اضافه کرده است که خدای تعالی صراط را به وصف استقامت توصیف کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۴۵).

در اکثر آیات قرآن این واژه در معنای راه خدا یعنی دین حق و شریعت حق به کار رفته است و در بعضی از آیات می شود گفت مراد از آن راه معمولی است، مانند: ﴿وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (اعراف: ۸۶) و هم چنین: ﴿أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (ملک: ۲۲) و نیز: ﴿فَاهْتَدُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطِ الْجَحِيمِ﴾ (صافات: ۲۳). به نظر می رسد دیدگاه طبرسی در مجمع البیان جامع و مانع سایر دیدگاه هاست زیرا که آن را، راه آشکار و وسیع تعریف کرده و جوینده راه حق، دارای چنین موقعیت ممتازی است.



۱-۳. صورت و سیرت صراط

واژه صراط؛ در قرآن کریم عموماً به صورت مفرد به کار رفته است، این ویژگی گواه آن است که صراط تعدد ناپذیر است زیرا به خداوند استناد دارد و راه خداوند نیز یک راه مستقیم بیش نیست و هر آن چه از راه مستقیم تعدی نماید راهی است انحرافی و ابتدا و انتهای آن از فطرت و خداوند بدور است. ورود در حریم امنیت و سلامت صراط، محفوظ ماندن از گمراهی را تضمین می نماید، لوازم تضمین صراط نیز حرکت با آهنگ قرآن و سیره معصومین (ع) است که هر دو بخشی جدانشدنی از صراط هستند و اتکاء به یکی از آنان نیز راه هدایت را کفایت نمی کند.

صراط مستقیم، جمع میان ظاهر و باطن است، بنده ای که از عبادات و اعمال حسنه فقط به قالب فعل اکتفاء کرده و از مغز و جوهره، به پوست قانع شده است از سیرت صراط دور می ماند و به مقصود اصلی نایل نمی شود، همچنین عدّه ای که به معنای صرف گرویده و از اتیان اعمال حسنه و عبادات شرعیّه شانه خالی می کنند، از متن حقیقت صراط دور می مانند و از حقیقت به مجاز، و از واقع به تخیل و توهم قناعت می کنند. (جوادی آملی، ۱۳۹۹ش، ج ۱، ص ۴۶۷).

۲. تصویرنگاری متن و کارکرد آن

تصویر از ریشه «صوّر» است که صورت نیز از آن ساخته می شود، مقصود از ساخت صورت، صورت بخشی به چیزی یا عملی است (راغب، ۱۳۸۵ش، ص ۲۵۹). تصویر در قرآن کریم؛ با هدف شکل دادن و صورت بخشیدن به بخشی از حقایق ایمانی آمده است، این اشکال گاه در یک سوره، یک یا چند آیه، یک کلمه، در قالب ها و صنایع مختلف ادبی به کار رفته است. در تصاویر قرآنی، واژه ها به جای خط و رنگ می نشینند و موج حیات را در رگهای تصاویر می دمند و به آنان حیات می بخشند (سیدقطب، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۵۸). چنین است که تصویر در مصحف شریف به منظور اثرگذاری مضاعف، به دو صورت محسوس و معقول دیده می شود. تصویرنگاری متن به گونه ای هنر تصویری توضیح دهنده و وصف کننده اطلاق می شود، تصویرگر؛ غالباً به تجسم و ارائه موضوعی می پردازد که با زبان نوشتاری و گفتاری نیز قابل بیان است، ممکن است هدف کلی تصویرگر، قابل فهم تر کردن یا جذاب نمودن موضوعی از یک متن باشد، ولی الزامی نیست که تصویر منضم به متن باشد.

تصویر؛ یادگیری و به کارگیری قوانین سازماندهی تجسمی ضروری برای بازآفرینی است (کپس، ۱۳۹۵ش، ص ۱۷). تصویرسازی سابقه ای بس قدیم دارد، در روزگاران گذشته، وظیفه اغلب نقاشان در خاور دور و اروپا، ساختن تصویرهایی برای نسخه های خطی بوده است (پاکباز، ۱۳۸۳ش، ص ۵۳۲).

۳. جلوه های بصری و تصویرسازی صراط

مفاهیم قابل انتقال از طریق جلوه های بصری صراط، تحت این عناوین مورد بررسی قرار می گیرد: جلوه تصویرسازی خداوند، جلوه صورت و معنا در تصویر صراط، جلوه بصری تصویر برای تسهیل فهم، جلوه بصری صراط در سیر حرکت از مبدأ تا مقصد، جلوه بصری صراط در طلب هدایت، جلوه بصری صراط در اعتصام به ریسمان الهی، جلوه بصری صراط در ورود به ساحت رحمت خداوند، جلوه بصری صراط در دستگیری خداوند از راهیان صراط، جلوه بصری صراط در دل های نرم، جلوه بصری صراط در استقامت و جلوه بصری صراط در اتحاد و یک رنگی.

۳-۱. جلوه تصویرسازی خداوند (هوالمصوّر)

خلاق هستی و نقاش ازل، که صورت و سیرت انسان را به احسن وجه آفرید: ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ (مؤمنون: ۱۴) و چنین آفرینشی را برای سایر موجودات تکرار نکرد، نیک می داند که آدمی چگونه پدیده ها را ارزیابی و پردازش می کند، مصادیق را چگونه می سنجد و تجسم می بخشد، او در مقام پروردگار و مربی، به انسان متفکر، مهارت درک تصویر را ارزانی کرده، تا رهرو خود را به مقصد عالی برساند.

تمایز فهم بصری و تجسم آدمی، با سایر مخلوقات عالم، موجب می شود تا او مهارت یادگیری را به مدد دانش و هنر، در خود تقویت نماید و سبب ترفیع مقام انسانی خویش گردد و در پی طلب سیر آن باشد ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ (حمد: ۶).

خداوند برای بیان اغراض ذهنی، شیوه تصویری را بر سایر شیوه ها برتری داده است. بر اساس نظریه تصویری سید قطب؛ «اغراض تصویر» و «اسلوب های تصویر» دو پایه ای هستند که در شیوه تصویرسازی حاکمند. از نگاه وی مواردی همچون معانی ذهنی، حالات روانی یا درونی، حوادث واقعی، مثل ها، مناظر طبیعت، صحنه های قیامت، الگوهای انسانی، جدل تصویری، قصه و داستان از اغراض تصویرند (سیدقطب، ۱۳۵۹ش، صص ۲۰-۲۴).



اسلوب های تصویر نیز در دو قسم خلاصه می شوند: ۱- هماهنگی کلام با مضمون و محتوا، موسیقی و آهنگ کلمات، وحدت موضوعی و تقابل ۲- خیال پردازی حسی شامل تشخیص، تجسیم، فعل حرکتی، رنگ و بو و گفتگو (احمدالراغب، ۱۳۸۷ش، صص ۲۰-۲۷).

قرآن برای بیان هر کدام از اغراض ذکر شده، بر واقعیت محسوس تکیه می کند و برتر بودن اسلوب تصویری آن نیز همین نکته است، این اسلوب، صرف آرایش و تزئین نیست و به طور ناگهانی و تصادفی استفاده نمی شود، بلکه قانونی ثابت با شیوه ای معین و ویژگی های فراگیر است که در جایگاه های متفاوتی کاربرد داشته است (سید قطب، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷).

آفرینش تصاویر موضوعی صراط در قاموس زبانی قرآن کریم، واجد یک مفهوم و یک مصداق است، تصویرگر صراط، «راه» را در امّ الكتاب، در نهایت مهارت و صلابت طراحی کرده و هر گونه اضطراب را از آن زدوده و همه اضطراب ها را به غیر صراط معطوف دانسته است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰، ص ۳۷).

۳-۲. جلوه صورت و معنا در تصویر صراط

اتحاد غرض دینی و غرض هنری در قرآن مجید، به اعجاز بیانی- تجسمی آن ختم می شود به گونه ای که خواننده صراط با انبوهی از تصاویر آشکار و نهان ملاقات می کند، تصاویری که سرچشمه و غایت آن آفریننده حکیمی است که از بنده خویش محافظت می نماید تا مسیرش به بی راهه ها منتهی نشود.

کارکرد هدایتی تصویر در فاتحه الكتاب بر محور صراط جریان می یابد و هر لحظه مترصد و مراقب است تا رهگذار از این محور انحراف پیدا نکند، چنانچه جرجانی دریافته است؛ مجموعه این تصاویر هنری ما را از معنا به معنای معنا فرا می خوانند و به افقی نو انتقال می دهند، مراد جرجانی از معنا، برداشت از ظاهر لفظ است که بی واسطه صورت می گیرد و مراد او از معنای معنا آن است که از لفظ معنایی برداشت می شود و آن گاه آن معنا ما را به معنای دیگری می رساند (جرجانی، ۱۳۶۸ش، ص ۲۳۶). این گونه دریافت های مجازی از معنا و تصویر، موجب انتقال به مفاهیم ذهنی می گردد تا بدانجا که برخی تمامیت زبان قرآن را زبان مجاز می دانند، «عقاد» معتقد است:

«این زبان با تعبیرهای مجاز از حدود تصویرهای حسی به معانی مجرد رسیده است و آن گاه که هر فرد آگاهی بر زبان عربی، به آن گوش می

سپارد، ذهنش به شکل های محسوس مشغول نمی شود بلکه به مراد آن واژه ها منتقل می شود، برای نمونه؛ شنونده ماه را با شکوه و زیبا می بیند و کوه را سنگین و متین و آرام» (محمود عقاد، ۱۹۸۵م، ص ۲۶).

بدین ترتیب، صاحب نظران، صورت و معنا را از ورای تصاویر قرآنی مشاهده می کنند و بر این عقیده اند که تصویر در تبیین معانی، از بیان صرف و مستقیم قوی تر و مانا تر است، چنانچه برخی معتقدند که مقصود از استعاره، آشکار نمودن است، زیرا بر تشبیه استوار است (رمانی، ۱۹۶۳م، ص ۷۹).

سید قطب نیز تصویر را ارائه هر نوع معنای حسی می بیند که بر گونه های بلاغی سنتی تکیه می نماید و قوه خیال مخاطب را بر می انگیزد، او تمام آیات را بجز آیات تشریحی قرآن، تصویر می بیند و تأثیرگذاری آنان را بر مؤمن و کافر برابر می داند (سید قطب، ۱۳۵۹ش، ص ۱۷). تجسم صراط در تصاویر قرآنی از همان اسلوب حس و خیالی نشأت می گیرد که علمای بلاغت پیرامون آن سخن گفته اند و صورت و معنای آن را در قالب اعجاز بیانی گنجانده اند.

۳-۳. جلوه بصری تصویر برای تسهیل فهم

تعلیم حکمت الهی برای همگان میسر نیست و سفیران الهی در صدد آن نیستند که حقایق را با کنایه و غیر صریح بیان کنند، آنان به مدد تشبیه و تمثیل، مردم را از عظمت پدیده های محسوس به عظمت و جلال الهی رهنمون می سازند (ابن سینا، ۱۳۷۷ش، ص ۳۲۳)، چنین است که کلام الهی از جمله تصویرنگاری های آیات موضوعی صراط، در جهت تسهیل فهم همگان، ساده و بی پیرایه است، چیدمان عناصر تصویر از بافت موسیقایی زیبا و ساده ای برخوردار است، درک اجزاء و الحان آن برای عامه دشوار نیست، مضافاً این که دارای لایه های متعددی هستند که خواص اهل علم و هنر، تا پایان حیات زمین و زمان، برای رمز گشایی از آنان تلاش خواهند کرد.

تعابیر و تصاویر ساکن و جوشان آیات موضوعی صراط، مخاطب را به اعماق حقیقت سوق می دهد و دعوت می کند تا به مدد لذات بصری، با دنیای گسترده تری از معنی و مصداق آشنا شود تا حجتی بر مهجوریت مخاطب باقی نگذارد: ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَ تُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۶۵﴾ وَ لَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ ﴿۶۶﴾ (یس: ۶۵-۶۶)، بیشتر خداوند این گروه را از تبعیت شیطان نهی فرموده و به عبادت و صراط مستقیم



دعوت نموده است، گویی آنان منکر چنین روزی و چنین صحنه ای بوده اند و گزافه گویی بسیاری هم داشته اند و در نتیجه مستحق چنین مواجهه سختی شده اند تا بدانجا که خداوند روی سخن را برمی گرداند و مهر خاموشی بر دهانشان می نهد.

تصاویر گواهی می دهند این گروه از نعمت زبان و دست و پا و چشم نیز، سزاوارانه سود نبرده اند، هم اکنون که روز حشر است، بر دهان های آنان مهر سکوت حک شده است و عنان دستهایشان را از کف نهاده اند و فقط سخن صواب می گویند، هم چنین اختیار پاهایشان سلب شده است تا بدانچه فراهم ساخته اند گواهی دهند (طبرسی، ۱۳۸۷ش، ج ۲۰، ص ۴۲۸).

صحنه، گواه آن است که چشمانشان باز و هم چنان آن را در اختیار دارند تا نظاره گر آن رویداد بزرگ باشند و رشک ببرند که چه خسران بزرگی به خود زده اند! گویی چشمانشان نیز مستحق مسخ بوده، اما هم اکنون قانونی حکم فرماست تا ببینند و داوری کنند. مواردی مانند دست، زبان، پا، چشم، مهر سکوت بر دهان خورده، دست ها و پاهای بی اختیار و حوادث دیگر، از موارد تصویری و تجسم بخش در این آیه هستند، منظره وصف شده؛ تمامیت دستها و پاها و چشم ها را با تعداد بی شماری «دهان» نشان می دهد که صدای شیون و اعتراضشان بلند است، در عین حالی که شتابزدگی و وحشت را نیز می توان در سلسله رفتارهای فرد گرفتار تجسم کرد، رنگ آمیزی و صحنه آرایی آیه، شنونده را به اندیشه ورزی در عالم شهادت و محسوس سوق می دهد و به درک عقلانی تازه ای می کشاند تا به رابطه تلازم و پیوستگی معنا پی ببرد.

گویی مراد از گزینش لطیف «طَمَسُن» نیز همین است: ﴿وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ﴾ چشم هایشان محو و ناپدید می شوند به گونه ای که حتی اثری از جای چشم هم باقی نمی ماند، در این حد که حتی اثر شکاف بین دو پلک و گودی آن را هم نمی توان در صورت آنان دید، (طَمَسُن) در ادبیات عرب، برای محو و نابودی عضوی از بدن و یا نابودی اموال به کار گرفته می شود، کور مطموس نیز به کسی گویند که حتی خط چشم هم ندارد (طبرسی، ۱۳۸۷ش، ج ۳۰، ص ۴۳۱).

بررسی و تفحص این تصاویر، گواه حضور یک قانون مطلق و ازلی عمل و عکس العمل است و متضمن این قانون ازلی، تصویرگری است که در تار و پود همه پدیده ها، حضوری نظام مند و منسجم دارد.

انذارهای قرآنی، صراط را نصب العین می سازند تا انسان سرگردان، و اسیر «عفریت گمراهی» (شیرازی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۵۴)، فرصت های باقی مانده از عمر خود را دریابد؛ ﴿فَاسْتَبِقُوا الصِّرَاطَ فَإِنَّ يُبْصِرُونَ﴾ اما انسان نابینا قادر نیست راه دیگری را برگزیند، در نتیجه همان راهی را طی می کند که به آن عادت کرده است.

هم چنین صورت و اندام برخی از افراد سرکش، در روز حشر، نشانی از انسانیت ندارد، آنان در اثر طغیان از راه، از مقام انسانی خود سقوط کرده و مسخ شده اند، حالتی که بنی اسرائیل در زمان حیات، آن را تجربه کرده اند: ﴿أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (ملک: ۲۲)، عبارت استفهامی ﴿أَفَمَنْ﴾ گواه واژگونه کردن حقایق است که برآیند آن واژگونه راه رفتن است (طبرسی، ۱۳۸۷ش، ج ۲۵، ص ۱۹۵).

آیه؛ تصویر ﴿مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ﴾ را، در مقابل ﴿عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ تجسم کرده و ماهیت فرد منحرف از صراط مستقیم را بازنمایی کرده است، به عبارتی؛ واژگون شدن را نشانی از انحراف از ﴿صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ در نظر گرفته و واژگونگی را تجسم بخشیده است. کسی که با صورت به زمین افتاده، اصولاً دید کافی به اطراف خویش را ندارد و به سختی حرکت می کند و چون اطراف را نمی بیند، دست و صورتش آسیب می بیند، بر خلاف کسی که در راه راست قدم بر می دارد بر اطراف احاطه داشته و سربلند گام برمی دارد.

واژگونگی رفتار و گفتار در زبان قرآن، غالباً تداعی کننده تصویر عالمان بی عمل است: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا﴾ (جمعه: ۵)، گروهی که خرمن علمشان به جویی نمی ارزد (شیرازی، ۱۳۴۰ش، ص ۴۵)، و ضرر علمشان از منفعت آن بیشتر است (شیرازی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۶۷)، آنان برای ابطال حق و ترویج باطل و تقبیح دانا و تحسین جاهل می کوشند (شیرازی، ۱۳۶۰ش، ص ۴۰).

واژه بسیط صراط، علاوه بر مفهوم شهودی، واجد معنای غیبی نیز هست، از آن رو شهودی است که «راه» برای راهی و رهنورد، قابل رؤیت است و سرانجام آن نیز با چشم سر دیده می شود، تصویر صراط هم چنین می تواند مفهومی غیبی را در خود حمل کند، زیرا دارای ماهیت کیفی است و درعالم تجسم و خیال، قابلیت فهم و پردازش دارد.



۳-۴. جلوه بصری صراط در سیر حرکت از مبدأ تا مقصد

شواهد گواه آن است که همه ذرات وجود، به سوی خداوند در حرکتند، در فاتحه کتاب نیز این صیروت و حرکت، آیه به آیه قابل رؤیت است، چنانچه صاحب «اسفار اربعه»، آن را چهار سفر تکاملی می‌خواند (شیرازی، ۱۳۶۱ش، ج ۷، ص ۲۱۶)، این سفر و هجرت تا بدانجا می‌رسد که گوینده، خود را در مقام طلب صراط و لقای پروردگار می‌بیند و سپس در پی طلب آن بر می‌آید.

چنانچه روشن است، در این حرکت و هجرت، تحوّل و تکامل به احسن حال روی می‌دهد و انسان از مرتبه ای به مرتبه دیگر در تحوّل و صیروت است: ﴿جَعَلْنَاهُ نُورًا مُّهِدًى بِهٖ مِّنْ نَّشْأَةٍ مِّنْ عِبَادِنَا ۖ وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾ (شوری: ۵۲) این صیروت، به اشتیاق خداوندی است که مالک مطلق هستی است و روی همه هستی و غایت همه ذرات به سوی اوست: ﴿صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾ (شوری: ۵۳)، ﴿تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾ اسم مکان است و می‌تواند کعبه و مطلوب رهروی باشد که چشم و دل او را دائماً به خود معطوف و مجذوب می‌سازد، و نیز می‌تواند محلی برای ختم صیروت عاشقی باشد که پس از پیمودن راه، به مرجع خود متصل می‌شود.

سیر مفاهیم تصویری فاتحه کتاب، سفر به سوی ﴿صراط﴾ را ترسیم می‌کند، در این سیر، مسافر صراط مراتب تعالی را با جامع ترین اسم الهی ﴿الله﴾ آغاز می‌کند، او با جهشی بزرگ به ضیافت راه راست وارد می‌شود:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ (حمد: ۱): «بای بسم الله»، بای الصاق است (فخر رازی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۲۳)، الصاق و ارتباط با همه آیات قرآن؛ تا گوینده سریع تر به اسم اعظم ﴿الله﴾ متصل شود، زیرا از دیو رانده شده فاصله گرفته و به بارگاه خلوص صراط رو آورده است (شیرازی، ۱۳۶۱ش، ج ۱، ص ۳۰). گوینده ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾، دریافته است که بدون سلاح اسماء الهی، ورود در بارگاه صراط محال است و توفیقی نصیبش نمی‌شود، قاری ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾، هویت و مقصد خود را متعین می‌سازد تا صدق دعوی خود را اثبات نماید.

لغت شناسان؛ ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ را سمه دانسته و نشانه معنی کرده اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۸)، به طوری که دارنده آن با داغ پیشانی شناخته می‌شود، چنانچه از گذشته های دور، حکم مهر صاحب و متولی، بر مایملک خود مرسوم بوده است. بدین ترتیب، بر پیشانی هر فرد موحدی،

مهر و مشخصه عبودیت حک شده و هویتش قابل شناسایی است و از غیر موحدین منفک شده است.

برخی نیز اسم را به دلایل مشتقاتش از سمو (طوسی، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۲۶) می دانند، سمو فردی است نامدار و علو یافته، همانند گیاهی که برای بقاء و رشد به چیز دیگری متوسل می شود تا به حیات خود ادامه دهد. ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ برای طلب حاجت و کفایت مهمات است، چنانچه می خوانیم: بِسْمِ اللَّهِ الشَّافِي، بِسْمِ اللَّهِ الْكَافِي (شیرازی، ۱۳۶۱ش، ج ۱، ص ۳۳)، چه بسا همه معانی، بنا بر دلایل یاد شده صادق باشند.

طالب و نیازمند صراط؛ ﴿رَحْمَن﴾ را چراغ راه پیش رو می بیند تا از شعاع رحمتش، مسیر حیات خود را روشن سازد، پس از چند گامی، امیدوار می شود تا علاوه بر نور ﴿رَحْمَن﴾، رحمت ویژه خداوندی را نیز همراه خود سازد، سپس ﴿رَحِيم﴾ را بر زبان و دل خود جاری می سازد تا به مدد هر دو «اسم حسنی» راه را به درستی دریابد.

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (حمد: ۲): سپاس خداوند، به خاطر وسعت دانش های «عوامل متعدّد» است که در فاتحه کتاب به طالب صراط ارزانی کرده است. این نفایس سوره، یاری می رسانند تا راهی صراط قادر باشد هزاران مسئله از آنان استنباط کند (فخر رازی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۲۳)، «حمد الهی» در این مرحله از راه، ناظر بر رهیافتی است که راهی صراط، تاکنون بر عهده خویش تجسم می کند و سپاس گزار خالق می شود که در قدمهای نخستین، نگاهبان و دستگیرش بوده است، این سپاس انحصاری، به جز خداوند سزاوار هیچ مالکی نیست، چنانچه «الف و لام» حمد نیز، گویای تأکید حصر همه ستایشها برای خداوند است.

﴿لِلَّهِ﴾ نیز همچنان تأکید انحصار حمد و ستایش برای خداوند را گواهی می دهد و این تأکید بدان معناست که هیچ عنصری جز خداوند قادر به هدایت او به سوی صراط نیست و تنها خداوند است که راه را بر او عرضه کرده است، سپاس گذاری برای خداوند؛ از آن رو فقط متعلق به خداوند ﴿رَحْمَن﴾ و ﴿رَحِيم﴾ است که، مربی انسان و ربّ عالمیان است و نتیجه آن می شود که؛ ﴿رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ ولی و سرپرست همه راه های نیک فرجام است و آمد و شد و مداومت و استقامت در این بزرگراه طویل، جز با سرپرستی مستمرّ او میسر نیست.

﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ (حمد: ۳): کثرت عوالم و تجسم عظمت ﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾، سبب خضوع بیشتر بنده خداوند می شود و سبب تکرار ﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ می گردد. دو برهان محمود بودن ربّ ذات خداوندی، همچنان اختصاص حمد به او را مورد توجه قرار داده است که عامّ و خاصّ



عالمین از سایه مهرش برخوردارند، جست و جو کننده راه، به مدد اسماء الحسنی، تا بدین مرحله راه تعالی و تحوّل را پیموده است و از این پس نیز، به نور این اسماء، همچنان نیازمند است تا به انحراف کشیده نشود تا به صراط نایل آید.

﴿مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ﴾ (حمد: ۴): این بار طالب صراط، در خلوت بندگی خود، با ﴿مَالِكِ﴾ روز حساب سخن می گوید و از هم اکنون با او معامله می کند و در این داد و ستد، خود را مملوک خداوندی می بیند که گویی از مالکیت اعتباری دنیا چشم فرو بسته و گذر کرده است و مالکیت روز حشر برایش برجسته شده است. عظمت ظهور ﴿يَوْمَ الدِّينِ﴾، به حدی است که او را کراراً به فکر چاره افکنده تا خود را تسلیم محض و بنده مخلص خداوند ببیند و در عبودیت و استعانت او بیتوته کند (مغنیه، ۱۳۷۸ ش، ج ۱، ص ۱۴).

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ (حمد: ۵): جست و جوگر صراط، برای اثبات صدق ادعای خویش؛ واقف است که اخلاص در بندگی، نیاز حیاتی اوست تا پس از مقدمات یاد شده، مهیای ورود در صراط مستقیم خداوند شود. راهی صراط تا بدین مرحله از سیر صراط؛ شناخت الوهیت، ربوبیت، رحمانیت، رحیمیت و مالکیت را نصب العین خود قرار داده، تا او را از غیب به شهود و از هجران به وصل برساند و مهیای طلب صراط مستقیم نماید: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أ وَ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ (فصلت: ۵۳) راهی صراط، نشانه های سیر آفاق و انفس را در وجود خود تماشا می کند و بیش از پیش دلگرم این دستاورد می شود.

ضمیر جمع در ﴿نَعْبُدُ﴾ حضور تمامی ذرات وجود آدمی است که جملگی خالصاً لوجه الله طلب گشایش و راه می کنند و این راه، سزاوار بنده ای می شود که موانع بسیاری را پشت سر گذاشته است و فی الحال مهیای ورود به ساحت صراط می شود، همچنین جمع ﴿نَعْبُدُ﴾ به فلسفه نماز با جماعتی معطوف است که یکی از زیباترین جلوه های حرکت دسته جمعی به سوی صراط مستقیم است.

۳-۵. جلوه بصری صراط در طلب هدایت

در طلب و خواهش صراط، بنده در پی آن نیست که نشانه راه را از آشنای راه بپرسد، بلکه او راه مطمئن تری را برمی گزیند و خواستار آن می شود که راهبان، پیش افتد و او در پی او

گام بردارد، رسم عرب بر این بوده است که در سفرهای شبانه، از یک نفر راهبر و راهنمایی سود ببرد که دانای موقعیت ستاره ها بوده است و او را هادی می نامیده اند.

﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ (حمد: ۶): هر راهی که در جهت حق ترسیم شود، رو به صراط مستقیم است (طوسی، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۴۳۱)، تقاضا و خواهش صراط نیز مخ طاعت و دعا و ابتهال است، طلبی که استقامت و ثبات در دین را دستمایه راه می داند. انسان آگاه نیک می داند که برای نیل به مقصد، نیازمند راه است و می فهمد که بدون راه، هیچ مقصدی و مطلوبی حاصل نمی شود، به همین دلیل، چنانچه از ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ تا ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ نمایان است، همه خواهش ها برای راه بوده است و باز کردن راه و راه دادن به شاه راه هدایت صراط. او پافشاری و تلاش بسیار کرده است تا خود را به راه برساند و از مخاطرات انحراف و سقوط مصون بماند، بر اساس این نیاز، او به مدد اسماء الهی و اظهار عبودیت خالصانه، تا بدین جا گام به گام پیش آمده است و حال که صدق و علم این حقیقت را به اثبات رسانده، در آستانه گام نهادن به ایمن ترین راه هستی است، راهی که از دستبرد شیطان مصون مانده و کژی و ناپایداری در آن راه ندارد و مهم تر این که، این راه با نور هدایت ﴿رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ روشن شده است و نور نیز، همراه گامهای مستحکم اوست.

راهی این راه، شب و روز با استقامت و پویایی، خواهش صراط را مشق هر لحظه خود قرار داده است تا مبدا غفلت و ضلالت دامنگیرش شود و اندوخته هایش طعمه راه زنی به نام شیطان گردد، مراقبت مدام و مداومت بی وقفه او، دلیل حساسیت این راه حیاتی است، این دستاورد بی مانند، سرمایه حیات امروز و فردای بی نهایت اوست، او تجربه کرده است که این محصول با ریاضت بسیار حاصل آمده است.

صاحب نورالتقلین، به نقل از امام صادق (ع) آورده است که؛ آن حضرت فرمود: بنده چون ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ را می گوید در واقع درخواست راهنمایی به سوی کمالات و مراتب والایی که در دینش بوده و هنوز بدان نرسیده است را می نماید و نیز چنگ زدن و آویختن به ریسمان الهی را می خواهد و خواهش برای معرفت روزافزون و شناخت از پروردگار خویش را دارد (حویزی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۰). صاحب تفسیر عیاشی نیز از آن حضرت روایت آورده است که فرمود: صراط مستقیم، امیرالمؤمنین (ع) و دیگر ائمه اطهارند (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۲۸).



۳-۶. جلوه بصری صراط در اعتصام به ریمان الهی

آدمی که راه را تا بدین مرحله پیش آمده، پی برده است که برای طی طریق بندگی، جز اعتصام به خداوند، راه دیگری وجود ندارد و چنانچه تحت وسوس شیطانی، راه دیگری را در مخیله اش بیوراند، پا در جای پای شیطان نهاده و در مسیر ضلالت گام نهاده است، چنین است که معتصم به خداوند، به دلیل ثبات در اعتصام، سزاوار صراط مستقیم می شود: ﴿وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (آل عمران: ۱۰۱)، معتصم نیز کسی است که خداوند او را از انواع آفت مصون می دارد و بدیها را از او دفع می کند (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۶، ص ۱۱۶).

صورت و ظاهر آیه؛ اعتصام را همانند مرکبی می بیند که راه را می داند و سبب هدایت معتصم در صراط مستقیم می شود، هم چنین پیروی از فرامین الهی و ارشادات رسول خدا (ص) از ملازمات اعتصام به خداوند در صراط مستقیم الهی بشمار می آیند، نتیجه آن که؛ صراط و اعتصام و اهداء، ملازم یکدیگرند و واجد یک مصداقند و همگی پاداش هدایتی هستند که پس از گام نهادن در صراط، حاصل می شوند. توفیق هر کدام از ملازمات فوق برای راهی صراط مستقیم، ارفاقی است و ماهیت تشویقی دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۴ش، ج ۱۵، ص ۱۹۰).

آیه اما دارای سیرتی نیز هست که در سایه شوق و طی مسیر صراط، دستگیر مهتدی می شود، مهتدی صراط مستقیم، از هدایت پاداش تنفر از گناه و عصیان نیز برخوردار می شود تا بدانجا که گناه را در مقابل دیدگان خود با ظاهر و باطن نازیبا و متعفن تماشا می کند.

«عاصم» که در عین حال سیرت بنده راهی صراط است از اسماء الهی نیز هست، همانند دیگر اسماء، عروه الوثقی انسان راه یافته است، دستاویزی مستحکم در مسیر حیات انسان، که هیچ عاملی قادر به ایجاد اختلال در کارکرد آن نیست، این مجموعه از ملازمات رهگذر صراط، او را سرانجام به «جرگه متقین» می رساند، متقینی که به خاطر پیشینه خود، در مقامی امن و رفیع دیده می شوند: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ﴾ (دخان: ۵۱)، راهی صراط و معتصم به خداوند، الزاماً از تشمت و تذبذب می پرهیزد تا هر چه سریعتر مطلوب خویش را در یابد.

۳-۷. جلوه بصری صراط در ورود به ساحت رحمت خداوند

ایمان به خداوند؛ ابتداء با اجتناب از عصیان باری تعالی آغاز می شود، شرم از عصیان، تمهید رحمت خداوند می شود: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا﴾ (نساء: ۱۷۵)، ورود در ساحت رحمت ویژه خداوند ﴿فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي

رَحْمَةً مِّنْهُ ﴿۱۸﴾ همان پاداش ایمان و اعتصام به خداوند است، هر آنکه به چنین دستاویزی برسد، خداوند او را در سرای رحمت و خطیره تفضل و احسان از جانب خود داخل می نماید و بدین سان، راهی مستقیم و به دور از اعوجاجات به سوی خود باز می کند: ﴿يَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا﴾.

﴿اعْتَصِمُوا﴾ از عصمت به معنای حفظ و نگهداری است و اصل آن از عصام مشتق می شود، عصام ریسمانی است که با آن دلو را به عمق چاه می برند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۸)، گویی آدمی برای رهایی از تنگنا و تاریکی چاه، نیاز حیاتی به آن دارد تا به کمک آن، جهل خود را شستشو دهد و خود را از ظلمت آن برهاند و پس از آن در محیطی ایمن و نورانی گام بردارد و رو به راهی راست و سقیم حرکت کند، فراخی و روشنایی این راه، متأثر از صراط مستقیم است که اینجا به صورت نکره و تفخیم آمده است و کنایه از عظمت صراط مستقیم است.



صیوروت انسان راهی صراط، به حکم اعتصام به ریسمان الهی، حرکت به سوی اسم اعظم است، همان حرکتی که در آغاز فاتحه کتاب با ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ شروع شده است و با ﴿اللَّهُ﴾ و ﴿رَحْمَن﴾ در صیوروت به سر می برد، این صیوروت، عمیق ترین رابطه دو نقطه «صفر تا بی نهایت» است، به حدی که به مدد ﴿اللَّهُ﴾ و ﴿رَحْمَن﴾، راهی صراط از هیچ به همه چیز نائل می شود و صاحب ثروت عظیم استغناء می گردد، استمرار صیوروت در صراط مستقیم، آدمی را مکرر ارتقاء می دهد تا بدانجا که هویت ضمیری او ﴿إِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾ (مانده: ۱۸) تعبیر می شود،

این هویت و دستاورد، اندوخته ای گران بهاء بشمار می آید که ضامن امنیت و سلامتی آینده او می گردد.

۳-۸. جلوه بصری صراط در دل‌های نرم

آگاهان و عالمان طریق هدایت، کسانی هستند که از سلامت روحی برخوردارند و در آینه خیال و اندیشه خویش، با حق و حقیقت چالشی ندارند و آن را به وضوح می بینند و بر آن، از سر تواضع گردن می نهند: ﴿وَلْيَعْلَمِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (حج: ۵۴)، از دیگر دستاوردهای گام نهادن در صراط، حیات عالمانه در معیت نرم خویی و نرم دلی است: ﴿فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ﴾، تحقیقاً تنها کسانی چنین توفیقی همراهشان می شود که، قلبی نرم با حالی خاشع تحصیل کرده باشند: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾، یعنی هر دم، روح و جان خویش را صیقلی کرده و متحوّل سازند تا در صراط هدایت پا گذارند.

چنانچه در ارتفاع، آب به خوبی جذب زمین نمی شود و گیاه را آن گونه که باید، سیراب نمی کند و رشد نمی دهد، ذکر خداوند نیز بر دل و جان ناهموار نمی نشیند و هیچ رشد و حرکتی عاید آن نمی شود: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ (فاطر: ۲۸)، پیداست که از بندگان خداوند، تنها دانایان خاشع مستعدّ این گونه هدایت می شوند.

حصر ﴿إِنَّمَا﴾ گواهی می دهد که صرفاً صاحبان علوم الهی دارای خشیت و روح عبادت هستند و انذار در آنان کارگر می شود، این گروه از عالمان، کسانی هستند که خداوند بزرگ را با اسماء و صفات و افعال او می شناسند، شناختی که به وسیله آن، دل‌هایشان نرم می شود و آرامش می یابند. از سوی دیگر، در وجودشان هیچ خلئی و لگه ای از تردید و ناپایداری دیده نمی شود، در نتیجه قول و فعلشان فنا ناپذیر می گردد، چنین توصیفی سزاور کسی است که در خواهش صراط، ظاهر و باطن او هماهنگ می شود و وجودش را توأمان صلح و صفا و ایمان فرا می گیرد: ﴿أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِإِسْلَامٍ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ﴾ (زمر: ۲۲).

آیه ای دیگر؛ با تصویر کردن مجموعه ای از نعمات، به ویژگی دیگر هدایت شدگان اشاره می کند: ﴿أَمْ تَرَىٰ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعٌ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (زمر: ۲۱)، صاحب مجمع البیان، کلمه ﴿يَنَابِيعُ﴾ را جمع «ینبوع» آورده و اضافه کرده است که ینبوع جایی است که آب از آن

می جوشد، بدین ترتیب که؛ خداوند آب را در چشمه‌ها و رگه‌های زمینی که همانند رگهای بدن انسان است هدایت کرده و سپس زمین؛ ﴿فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ﴾ آن را از سویی به سوی دیگر انتقال می‌دهد (طبرسی، ۱۳۸۷ش، ج ۲۱، ص ۱۶۵).

چنانچه می بینیم، آیه بر یگانگی خداوند در ربوبیت احتجاج می‌کند، آنان را متذکر قانون نزول باران رحمت و جاری شدن در زمین و ظهور گیاهان رنگارنگ می‌کند و در ادامه، خشک شدنشان تا چرخه بعدی حیات را به تصویر می‌کشد که همگان بارها به تماشایش ایستاده‌اند: ﴿فَتَرَهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطْمًا﴾. آیه؛ سرانجام با ﴿إِنَّ﴾ تأکید می‌کند که درک اعماق این همه پدیده زیبا، جز از سوی خردورزان ممکن نیست: ﴿فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لَأُولِي الْأَلْبَابِ﴾، و کسی را شایسته هدایت می‌بیند که به منشأ و فلسفه این همه زیبایی می‌اندیشد.

۳-۹. جلوه بصری صراط در استقامت

رسول خدا (ص) در هیئت یک انسان، با ظرفیت روحی متناسب رسالتش، گاه به ایجاد انگیزه والاتر و شور و نشاط بیشتری از سوی خداوند نیازمند است تا در مواجهه و مقابله با مخالفان، روح و روانش تحلیل نرود و هم چنین در انجام رسالتش استوارتر از گذشته بر حقیقت راهش پای بفشارد: ﴿يَسْ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (یس: ۱-۴)، این دلگرمی و حیانه، از سوی خداوند عزیز و رحیم ﴿تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ﴾ (یس: ۵) در راستای استقامت ورزیدن رسولش در این سیر صعب و جانفرسا شکل می‌گیرد تا همچنان به دعوت و انذار توده‌ها استمرار دهد و آنان را از سقوط حتمی نجات دهد، چنانچه پدرانشان سقوط کرده‌اند؛ ﴿لِنُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ﴾ (یس: ۶)

سوگند قرآن با لحنی تأکیدآمیز، به حکیمانه بودن پیامش ناظر است و در عین حال اشاره به غایت شوم عفلت زدگانی دارد که مستحق نجاتند و گویی این پیام می‌تواند هم اکنون مؤثر واقع شود و از بی راهه نجاتشان دهد. این همه قول سدید در آیات نخستین سوره مبارکه یاسین، شهادت می‌دهند که پیامبر(ص) در مسیر رسالتش جانانه در صراط مستقیم ایستاده است، به ویژه آن که این شهادت به گونه ای رسا ابلاغ می‌شود: ﴿تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ﴾.



۳-۱۰. جلوه بصری صراط در دستگیری خداوند از راهیان صراط

قرآن کریم، گروهی را که صراط را مقصود خود گرفته اند؛ ﴿أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ خواننده و نعمت مهتدی شدن آنان را به خداوند اسناد داده است، روشن است که از خداوند، جز مهر و هدایت سزاوار نیست و اگر چنین نبود، هرگز تلاش‌ها ثمر نمی‌بخشید. نعمت اساساً ملایم طبع ذی شعور است که متنعم از آن حظ و بهره می‌برد، برخوردار نعمت هدایت، پاداشی را دریافت می‌کند که در ابتدای راه، صدق بندگی خود را به اثبات رسانده است.

در عطای پاداش کوتاه مدت اهل صراط، راهیان؛ مانعی برای حضور در صراط مستقیم ندارند و همگی از بینایی و شنوایی و درک حقیقت برخوردارند، آنان خود را به نور رسانده‌اند و از ظلمت‌های چندگانه دور شده‌اند، همچنین، خداوند آنان را تا صراط مستقیم دست‌گیری کرده است، این ویژگی‌ها برای اهل صراط، پاداش هدایتی، محسوب می‌شوند و خداوند هدایت آنان را به خود نسبت داده است: ﴿مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَ مَنْ يَشَأِ يُجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (انعام: ۳۹)، اراده حرکت در صراط مستقیم، این‌گونه مهر خداوند را جذب می‌کند، راهی صراط با طلب دستگیری از سوی خداوند، دیوار بلندی بین خود و کج راه رفتگان می‌کشد و خود را از فضای کوچک‌ترین خطر پرتگاهی دور می‌سازد و به مأمّن ایمان و اهتداء می‌رساند.

۳-۱۱. جلوه بصری صراط در اتحاد و یک‌رنگی

رهرو صراط بر آن است تا با جمعی که رنگ توحید ناب یافته‌اند و در پرتو آن به مقصد رستگاری رسیده‌اند، حشر و نشر نماید، هم‌چنین مرز خود را با غیر آنان جدا سازد: ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ (حمد: ۷)

صراط مستقیم، مسیر یک‌رنگی و یک‌دلی همه موحدان است تا اجابت‌کنندگان آن، همانند جماعتی که دسته جمعی به نماز و کعبه رو آورده‌اند، از تزاخم و تداخل بدور باشند و تنها به یک مبدأ فاعلی مطلق دل بسپارند، این ره آورد توصیه قرآن است که موحدان حقیقی را به یک‌رنگی و یک‌دلی فرا می‌خواند و از همگان می‌خواهد که به اندیشه و عمل خود رنگ الهی ببخشند و از تشّت پرهیزند: ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عِبْدُونَ﴾ (بقره: ۱۳۸). رنگ‌مایگی توحیدی در صراط مستقیم، همانا در گفتار و عمل اهل صراط هویدا می‌شود.

شود، چند رنگی و چند دلی نافی توحید و صراط بوده و ثمره آن سرانجام به پرتگاه «ضالین» منجر می‌گردد که سرنوشت سرتافتگان از صراط مستقیم است.

نتایج تحقیق

نتایج این پژوهش نشان داد که جلوه‌های بصری صراط بازتابی از این مفاهیم است: «تصویر» در فاتحه‌الکتاب، سبب فعال شدن همزمان؛ تخیل، تجسم و اندیشه آدمی می‌گردد، مضافاً این که موجب اختصار و ایجاز کلام و در نتیجه «تسهیل فهم» شده و آثار عمیق تری در آدمی بوجود می‌آورد، حضور تصویر؛ «سیر حرکت» راهی صراط را از «مبدأ تا مقصد» مجسم ساخته و رهگذار، چشم انداز روشنی از آغاز راه یعنی ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ و پایان راه یعنی ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ در مقابل دیدگان خود دارد، راهی صراط، به دلیل اهمیت راهش، دائماً «طلب هدایت و استقامت» می‌کند و می‌داند که در این راه هرگز ایمنی نمی‌یابد الا این که به «اعتصام جبل الله» واصل گردد و به وسیله آن در «ساحت رحمت خداوندی» مقیم گردد، مداومت بر فرایندهای یاد شده، «سبب خشوع» و نرمی قلب راهی صراط مستقیم می‌گردد و دستاورد مداومت و خشیت او، «استقامت» در برابر خیل آزمایشات و ابتلائات الهی می‌گردد.

بنده راهی صراط استقامت؛ «هدایت تشویقی» بیش از پیش را از خداوند دریافت می‌کند و با فزونی هدایتش، تلاش و مراقبت مضاعف در پیش می‌گیرد تا به مقصد و معشوق خود برسد و در لقای پروردگار خویش آرام گیرد.

بدین سان تصاویر فاتحه‌الکتاب؛ سیر روشنی از عاشق دل‌باخته را نشان می‌دهند که خود را وقف راهی پرفراز و نشیب می‌کند و موانع و مشکلات آن را به جان می‌خرد تا به مقام عبودیت ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ﴾ برسد.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

- ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله، (۱۳۷۷ش)، *الهیات نجات*، ترجمه و پژوهش سید یحیی یثربی، تهران: انتشارات فکر روز.
- احمدالراغب، عبدالسلام، (۱۳۸۷ش)، *کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم*، ترجمه حسین سیدی، تهران: انتشارات سخن.
- پاکباز، رویین، (۱۳۸۳ش)، *دایرةالمعارف هنر*، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- جرجانی، عبدالقاهر، (۱۳۶۸ش)، *دلایل الاعجاز فی القرآن*، ترجمه سیدمحمد رادمش، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۰ش)، *تفسیر تسنیم*، قم: انتشارات اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۵ق)، *الصّحاح تاج الغه و صحاح العربیّه*، تهران: انتشارات امیری.
- حویزی، عبدعلی، (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نور الثقلین*، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- خرقانی، حسن، (۱۳۹۱ش)، *قرآن و زیبایی شناسی*، مشهد: آستان قدس رضوی .
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۵ش)، *مفردات الفاظ القرآن*، قم: نوید اسلام.
- رمانی، ابوالحسن علی بن عیسی، (۱۹۶۳م)، *النکت فی اعجاز القرآن*، قاهره: دارالمعارف.
- زمخشری، محمودبن عمر، (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقایق غوامض التّنزیل*، بیروت: دارالکتب العربیّه.
- سید، قطب، (۱۳۵۹ش)، *تصویر فنی؛ نمایش هنری در قرآن*، ترجمه محمدعلی عابدی، تهران: نشر انقلاب.
- سید، قطب، (۱۴۲۵ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت: مکتبه دارالشّروق
- شیرازی، صدرالدین محمدابراهیم، (۱۳۴۰ش)، *رساله سه اصل، مصحح: حسین نصر*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شیرازی، صدرالدین محمدابراهیم، (۱۳۶۱ش)، *تفسیر القرآن الکریم*، قم: انتشارات بیدار.
- شیرازی، صدرالدین محمد ابراهیم، (۱۳۸۱ش)، *کسر اصنام الجاهلیه، گردآورنده: محسن جهانگیری*، تهران: بنیاد حکمت اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۴ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: محمدباقر موسوی، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.

- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۸۷ش)، *مجمع البیان فی تأویل آی القرآن*، ترجمه: علی کرمی، تهران: انتشارات فراهانی.
- طبری، محمدبن جریر، (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
- طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین و مطلع النیرین*، تهران: نشر مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۹ش)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث الاسلامیه.
- عقاد، عباس محمود، (۱۹۸۵م)، *الفنّ الشاعره*، بیروت، المكتبة العصریه.
- عیاشی، محمدبن مسعود، (۱۳۸۰ش)، *تفسیر العیاشی*، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فخررازی، محمدبن عمر، (۱۳۶۱ش)، *التفسیر الکبیر*، تهران: نشر اساطیر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۲۱ق)، *کتاب العین*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- قرشی بنائی، علی اکبر، (۱۳۷۱ش)، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۶۵ش)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کیس، جنورگی، (۱۳۹۵ش)، *زبان تصویر*، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: انتشارات سروش.
- مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۵ق)، *تفسیر المبین*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- محمدقاسمی، حمید، (۱۳۸۷ش)، *جلوه هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Bibliography:

The Holy Qur'an.

Ahmad al-Raghib, Abdulsalam, (2007), the function of artistic image in the Holy Quran, translated by Hossein Seidi, Tehran: Sokhon Publications.

Akkad, Abbas Mahmoud, (1985 AD), *Algha Al-Shaareh*, Beirut, Al-Maktabeh Al-Asriya.

Ayashi, Mohammad Bin Masoud, (1380), *Tafsir Al-Ayashi*, Tehran: Al-Ulamiya Al-Islamiya School.

Fakhrazi, Mohammad bin Omar, (1361), *Al-Tafsir al-Kabir*, Tehran: Asatir Publishing House.

Farahidi, Khalil bin Ahmad, (1421 AH), *Kitab al-Ain*, Beirut: Darahiya al-Tarath al-Arabi.

- Hawizi, Abd Ali, (1415 AH), Tafsir Noor al-Thaqlain, Qom: Ismailian Publications.
- Ibn Sina, Abu Ali Hossein bin Abdullah, (1377), Theology of Najat, translated and researched by Sayyed Yahya Yatharbi, Tehran: Fekar Rooz Publications.
- Javadi Amoli, Abdullah, (2010), Tafsir Tasnim, Qom: Esra Publications.
- Johari, Ismail bin Hammad, (1405 AH), Sahaha Taj al-Ghah and Sahaha Al-Arabiyyah, Tehran: Amiri Publications.
- Jurjani, Abdul Qahir, (1368), Dalai al-Ijaz fi Qur'an, translated by Seyyed Mohammad Radmanesh, Mashhad: Astan Quds Razavi Publications.
- Kaps, Giorgi, (2015), The Language of Image, translated by Firouzeh Mohajer, Tehran: Soroush Publications.
- Kharghani, Hassan, (2013), Quran and Aesthetics, Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Kilini, Mohammad bin Yaqub, (1365), Al-Kafi, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Mohammad Qasmi, Hamid, (1387), Manifestations of the Art of Image Creation in the Quran, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Mughniyeh, Mohammad Javad, (1425 AH), Tafsir al-Mubin, Qom: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Pakbaz, Rouyin, (2013), Encyclopaedia of Art, Tehran: Contemporary Culture Publications.
- Qorshi Bani, Ali Akbar, (1371), Quran Dictionary, Tehran, Darul Kitab al-Islamiya.
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad, (1385), Vocabulary of Al-Qur'an, Qom: Navid Islam.
- Rammani, Abul Hasan Ali Ibn Isa, (1963 AD), Al-Naqat fi Ijaz al-Qur'an, Cairo: Dar al-Ma'arif.
- Seyyed, Qutb, (1359), technical picture; Artistic performance in the Quran, translated by Mohammad Ali Abedi, Tehran: Neghlab Publishing.
- Seyyed, Qutb, (1425 AH), in the shadows of the Qur'an, Beirut: Dar al-Sharrooq School
- Shirazi, Sadr al-Din Mohammad Ibrahim, (1340), treatise on three principles, edited by Hossein Nasr, Tehran: Tehran University Press.
- Shirazi, Sadr al-Din Mohammad Ibrahim, (1361), Tafsir al-Qur'an al-Karim, Qom: Bidar Publications.
- Shirazi, Sadr al-Din Muhammad Ibrahim, (1381), Kasr Asnam al-Jahiliyyah, compiler; Mohsen Jahangiri, Tehran: Islamic Wisdom Foundation.

- Tabari, Muhammad bin Jarir, (1412 AH), Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Dar al-Marafa.
- Tabarsi, Fazl bin Hassan, (1387), Majma al-Bayan fi Ta'awil Ai al-Qur'an, translated by: Ali Karmi, Tehran: Farahani Publications.
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, (1374), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, translated by: Mohammad Baqer Mousavi, Qom: Publications of the College of Teachers.
- Tareehi, Fakhreddin, (1375), Majma Al-Bahrin and Tahir Al-Nanirin, Tehran: Mortazavi Publishing.
- Tusi, Muhammad bin Hassan, (1389), al-Tabbyan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Darahiya al-Tarath al-Islamiyyah.
- Zamakhshari, Mahmud ibn Umar, (1407 AH), Al-Kashshaf on the facts of Ghawamaz al-Tanzil, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabiyyah.